

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Satire

طنز

خالق داد پغمانی – مونشن

۱۰/۱۲/۰۱

التماس عاجزانه

همکاران نهایت عزیزپورتال و خوانندگان به جان برابر آن را سلام تقدیم است، امید است همه صحت مند و تندرست بوده و خلاف این تن نحیف و عقل ضعیف که از هر دو در عذابم، روزگار خوشی را سپری نمائید. هر چند شیطان می گفت با تمام شما قهر نموده و دیگر لام تا کام با هیچ یک تان حرفی نزنم زیرا در تمام این مدتی که چیزی برایتان نفرستادم هیچ کسی به این فکر نیفتاد یک بار هم که شده از داد خالق احوالی بگیرد، مگر وقتی با خود فکر کردم و به گفته قدما کلامم را قاضی ساختم دیدم ای دل غافل، تو بیچاره تر از آنی که کسی از بودن و یا نبودنت غمی به دل راه دهد که جای خودش حتما متوجه آن هم شود. همین بود که هر چند از زیر دل هنوز با شما آشتی نکرده ام، حد اقل در ظاهر خود را آشتی نشان داده چیزی بنویسم و ضمن آن گله خود را تذکر دهم. شاید بیشتر از گله بهتر باشد من هم به رسم "منتظر الموت" ها وصیت خود را نیز بیان داشته در کنار آواز گیرای استاد "سرآهنگ" فرمایش چند آهنگ از بیلتون، زمان شوقی و تنی چند دیگر را نیز بدهم. چه اگر قرار باشد جسد نازنین من با دهل و سرنا به طرف کوره خشت پزی برده شود چه بهتر که امکان پای کوبی هم در عرض راه وجود داشته باشد.

و اما سخنی چند با ویراستار بخش مسایل ایدئو لوژیک پورتال:

شما را نمی دانم که وقتی مطلبی را مطالعه می نمائید چگونه آنرا به ذهن تان راه داده و سبک و سنگین می نمائید زیرا به یقین هرکس از خود راه و روش خاص خود را دارد و اما خودم با دماغ کوچک و توانایی اندکی که دارم – مطمئنم حین خواندن این قسمت دوست عزیزم آقای موسوی خواهد گفت: "بزرگنمایی موقوف" - برای آن که مطلبی را درست حلاجی نموده و به حافظه بسپارم، متناسب با جدیت و درجه دشواری مطلب، بار بار چشمم را بسته و با آوردن آن مطلب در جلو چشمانم تقریباً آنرا به مانند یک قطعه عکس، فلم برداری نموده به حافظه می سپارم. بر همین مبناء وقتی امروز تبصره پورتال را در ذیل مطلب " غره مشو که گریه عابد نماز کرد" خواندم؛ دو نکته بیشتر توجهم را به خود جلب نمود که اینک شما را نیز در کیف با خود شریک می سازم:

نکته اول طرح مسایل فقهی به ارتباط دخول ملکه برتانیای در مسجد ابوظبی بود. این درست که شما دزد را سر بزنگاه گیر آورده و با طرح نجاست عرق کافر دست امیر امارات را از پشت بسته اید، مگر یک نکته را نباید

فراموش نمائید که نزد مسلمانان با تمام اهمیت مساجد و احساس مسؤلیت در قبال پاک نگهداشتن آنها، وقتی پای مقایسه با کعبه مسلمانان در میان باشد هیچ مسجدی با آن محل قابل مقایسه نیست و وقتی پادشاه عربستان سعودی که در مقایسه به امیر امارات از "کالیبر" دیگریست به خود حق دهد تا امریکائی ها را به حیث مجاور و پرده دار خانه کعبه مقرر نماید، نباید به آن شیخ بیچاره که ملیارد ها دالر با "الیزابت جان" شراکت دارد و از آن گذشته حاکمیت فعلی خود را مرهون الطاف بیکران وی می باشد به اصطلاح همزبانان ایرانی ما خرده گرفته و به گفته مردم کابل "در خمیر موی پالید"- از ادب چنین گفتم ورنه ضرب المثل های مشابه دیگر نیز بلام-.

آخر آن بیچاره که کاری نکرده تا مورد انتقاد قرار گیرد، صرف یک کافر و دشمن دین اسلام را در مسجد راه داده، حالا فرشها نجس شده، به درک، می شود آنها را شست ویا با پول تیل و خون مردم همه را عوض کرد. در عوض امروز بوتش را از پایش کشید شاید فردا ها بتواند با آبگینه ساختن صحن مسجد سلیمان گونه - بی ادبی معاف- همانطوریکه شاعر گفته دامنش را نیز بالا نماید:

دامن خود برکشید سرو چو بلقیس کآب گمان کرد آبگینه میدان

نکته دوم گناهیست که ویراستار پورتال مرتکب شده است. نوشتم که برای درک بهتر موضوع عادت کرده ام تا یک مسأله را در نزد خود مجسم نمایم تا خوب در ذهنم جای گیرد. وقتی حالت "لخت مادر زاد" ملکه را آنهم در حالت سجده نزد خود مجسم ساختم، دروغ گوی دشمن خدا و رسول که حال بد شده حالت تهوع برایم دست داد. التماس عاجزانه ای که از ویراستار عزیز پورتال دارم آن است که هرگاه می خواهد باز هم از چنین کلماتی استفاده نماید لطف نموده در مورد انتخاب فرد مورد نظر دقت بیشتر نماید. آخر ما چه گناه کرده ایم که باید هر بار با چنان تشبیهاتی دل و روده خود را بیرون بریزیم؛ مگر در دنیا بهتر از آن قحط است؟! - آنانی که تا هنوز متوجه موضوع نشده اند می توانند خود " الیزابت جان" را در همان حالت مورد نظر، نزد شان مجسم نمایند. اطمینان دارم فقط بد سلیقه ها به استفراغ نمی افتند-.